

## زبان فارسی در سری لانکا.

م. م. م. محروف

ترجمه عباس امام

در کشور سری لانکا (سیلان) به زبان‌های متعددی سخن گفته می‌شود؛ از جمله زبان فارسی که تنها در میان گویشوران بومی این زبان، یعنی جامعه بسیار کوچک «پارسی»، رایج است. هدف این مقاله ارزیابی نقش تاریخی زبان فارسی در سری لانکا و ارائه طرحی از تأثیر این زبان بر مسلمانان و دیگر اقوام ساکن این سرزمین است.

### سابقه زبان فارسی در سری لانکا

ایرانیان از دیرباز با سری لانکا رابطه تجاری داشتند. بنا به گفته کوزماس ایندیکوپلیتس<sup>۱</sup> در قرن ششم، مسیحیان ایرانی مقیم سیلان دارای کلیسا بودند و خلیفه و دیگر برگزارکنندگان مراسم عمومی آنها از ایران تعیین می‌شد.

پس از گرویدن ایرانیان به اسلام، این احتمال وجود دارد که بعضی از خانواده‌های ایرانی مقیم سیلان با سکنه عرب آن کشور وصلت کرده باشند. افزون بر این، بازرگانی گسترده بین سیلان و ایران طبعاً نتایج و دستاوردهای دیگری نیز در پی داشت. مثلاً از جمله مسکوکات خارجی که در داد و ستد بازرگانی و از طریق هیئت‌های سیاسی وارد

\* خلاصه و مستخرج از ترجمه مقاله

M. M. M. MAHROOF, "Persian In Sri Lanka: Language As Musicality" in *Islamic Studies*, 32: 4

به قلم عباس امام (1993), p.p. 397-412

1) COSMAS INDICOPLYSTE

خاک سیلان شده سکه‌های نقره ایرانی با نقش قلاب ماهی موسوم به لارین<sup>۲</sup> و سکه‌های طلا با نقش فرشته مربوط به جزیره ایرانی هرمز است. این نوع مبادلات باعث رواج استفاده از مجموعه مفیدی از واژه‌های فارسی در سیلان گردید که از این میان می‌توان به واژه‌های مربوط به صنعت حمل و نقل و تجارت کالاهاى نفیس اشاره کرد.

زبان فارسی از راه دیگری نیز در قلمرو زبانی کشور سیلان تأثیر کرده است، یعنی از طریق عرفای مسلمانی که ایام مراقبه خود را در غارهای متعدد و پراکنده در اطراف و اکناف سیلان سپری می‌کردند. ابن بطوطه، فقیه و جهان‌گرد مسلمان، که احتمالاً در سال (۷۴۵ هـ) به سیلان سفر کرده، جزئیات بسیاری از مناظر و مناطق سیلان را، با تیزی، نقل کرده است. وی، در این سفر، به زیارت مقابر بسیاری از عرفای ایرانی مقیم سیلان رفته است. در این اوان، تأثیر زبان فارسی در سیلان بی‌گمان جزئی و بی‌اهمیت نبوده، چنان‌که ابن بطوطه، به دفعات، اسامی سیلانی را با معادل فارسی آنها خلط کرده است. مین باب مثال، وی شهر دوندورا<sup>۳</sup>، واقع در منطقه ساحلی جنوب سری لانکا، را «دینورا» می‌نامد که نام یکی از شهرهای شمال غربی کرمانشاه بوده است. از قرار معلوم، ابن بطوطه حتی با یکی از پادشاهان محلی سیلان به زبان فارسی گفتگو کرده است. وی هم چنین می‌نویسد که بازرگانان بسیاری از فارس و یمن در بنگلور (در جنوب سیلان) مقیم‌اند.

با اشغال استان‌های ساحلی سیلان، از سال ۱۵۰۵ م به بعد، به دست پرتغالی‌ها، سپس هلندی‌ها و پس از آن انگلیسی‌ها، تأثیر زبان فارسی و عربی اندک‌اندک رو به کاهش نهاد. این روند زوال، که در سال ۱۵۰۵ شروع شد، هم‌چنان ادامه یافت و زبان‌های فارسی و عربی فقط زبان‌های مسلمانان تلقی گردید، مسلمانانی که پرتغالی‌ها و هلندی‌ها آنان را رقبای بازرگانی و دینی خود می‌پنداشتند. از آن سو، مسلمانان سیلان نیز، با توجه به محدودیت‌های خود، تمایلی نداشتند که تبار عربی یا ایرانی خود را به رخ دیگران بکشند. از این زمان بود که فارسی فقط زبان داد و ستد اجناس کم‌اهمیت یا نامأنوس شد.

زبان فارسی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی

از دیدگاه زبان‌شناسی، دو زبان سینهای (زبان بیشتر مردم سری لانکا) و فارسی با

یک‌دیگر چندان بیگانه نیستند. هر دو زبان متعلق به زبان‌های هند و ایرانی‌اند. زبان فارسی جزء زیرگروه زبان‌های ایرانی است. به همین دلیل، در کشور سیلان، مطالعه زبان‌های هند و ایرانی جزء ضروریات مطالعه زبان سینهایلی گردید. حتی در زمانی که زبان‌های هند و ایرانی از سرفصل‌های درسی بود، تقریباً هیچ دانشجویی تلاش نمی‌کرد تا درس زبان فارسی بخواند و این امر ظاهراً دو دلیل داشت: یکی آن که فارسی فقط زبان مسلمانان شمرده می‌شد و کسانی که درس زبان‌های هند و ایرانی را انتخاب می‌کردند همه غیرمسلمان و عمدتاً بودایی و هندو بودند که به زبان‌های خانواده سنسکریت علاقه داشتند. برخی از آنها نیز که به زبان فارسی علاقه‌ای نه چندان جدی داشتند، به دلیل نامأنوس بودن خط فارسی از یادگیری آن منصرف می‌شدند.

بعدها زبان فارسی ناگزیر زیر نظر بخش عربی دانشگاه سیلان قرار گرفت؛ چون، بنا به دلایل اقتصادی، در هیچ مدرسه‌ای در سیلان زبان فارسی تدریس نمی‌شد و این زبان جزء دروس اجباری دوره پیش دانشگاهی نیز نبود. با این همه، درس فارسی درسی ذوقی و تفتنی تلقی می‌شد که افراد علاقه‌مند می‌توانستند آن را در دانشگاه بخوانند. دانش‌جویان داوطلب اخذ مدرک لیسانس ناچار بودند، در سال‌های اول و آخر، سه بار دروس عمومی را انتخاب کنند که درس فارسی هم جزء آن بود.

سرفصل‌های درس فارسی در دوره عمومی (سال اول دانشگاه) ناظر بود به: (۱) مطالعه متون الزامی، همراه با پرسش‌هایی در مورد مسائل زبانی، موضوعی، زمینه فرهنگی و ادبیات مربوط به هر دوره؛ (۲) مطالعه متون غیرالزامی، همراه با دستور زبان و نثر، و نیز کلیات و طرح تاریخ ادب فارسی.

دوره عمومی‌نهایی خود به دو بخش تقسیم می‌شد و بخش دوم در واقع یک سال پس از پایان بخش اول انتخاب می‌گردید. سرفصل‌های درس فارسی عمومی بخش اول به این شرح بود: (۱) متون الزامی همراه با پرسش‌هایی درباره زبان، موضوع مورد نظر، زمینه فرهنگی و ادبیات هر دوره؛ (۲) متون غیرالزامی، همراه با دستور زبان، مسائل بلاغی و نثر، و نیز کلیات تاریخ زبان فارسی از دوره سامانیان تا آغاز دوره مغول.

سرفصل‌های درس فارسی عمومی بخش دوم بررسی گسترده‌تر دوره تاریخی مورد نظر در بخش اول بود، به شرح زیر: (۱) مطالعه متون الزامی با تکیه بر پرسش‌هایی درباره مسائل زبانی، موضوعی و زمینه فرهنگی و ادبیات هر دوره؛ (۲) مطالعه متون غیرالزامی

با تکیه بر مسائل دستوری، بلاغی، عروضی و نگارشی؛ هم‌چنین مطالعه کلیات تاریخ ایران از دوره مغول تا آغاز دوره صفویه.

باید یادآور شویم که زبان فارسی تنها یکی از سه درس امتحان دوره عمومی بوده و، علاوه بر آن، در سیلان هیچ‌گاه دانشکده اختصاصی زبان فارسی وجود نداشته است. از آنجا که تدریس زبان فارسی در مدارس سیلان ریشه‌دار نبود، در دانشگاه‌ها نیز به صورت رشته فرعی و کم‌اهمیتی درآمد. زمانی که در مدارس سیلان آزمون دوره پیش‌رفته تحصیلات عمومی<sup>۴</sup> جای‌گزین امتحان مقدماتی<sup>۵</sup> شد، فارسی نیز در کنار زبان‌های مالایی، چینی و ژاپنی جزو مواد درسی شد.

سرفصل درس فارسی مخصوص آزمون دوره پیش‌رفته تحصیلات عمومی، که با فارسی دانشگاهی وجوه مشترکی داشت، شامل مواد زیر بود: (۱) ترجمه مطالب از متون الزامی و جدید به زبان انگلیسی با پاسخ به چند پرسش در مورد متن؛ (۲) ترجمه به فارسی، پرسش‌هایی درباره دستور زبان فارسی، پرسش‌هایی درباره تاریخ ایران (۱۹۹-۶۵۶ هـ). متون الزامی عبارت بود از: سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دبیر سیاقی، ج ۲ (تهران ۱۳۵۴)، ص ۱-۶۶؛ بوستان سعدی، به کوشش محمدعلی فروغی، ج ۱ (تهران ۱۳۵۷)، یا هر چاپ مناسب دیگر، باب دوم.

از موانع انتخاب درس فارسی در دانشگاه‌های سریلانکا خط فارسی است که فاقد نشانه‌های نوشتاری برای بعضی از مصوت‌هاست. دیگر از عوامل بازدارنده فقدان کتاب‌های مقدماتی آموزش زبان فارسی (به زبان انگلیسی) است. مواد خواندنی کمی نیز در زبان فارسی کم‌یاب‌اند. در کتاب‌فروشی‌های سریلانکا کتاب فارسی به ندرت پیدا می‌شود، در حالی که کتاب‌های جدی و مفصل درباره هنر و فرهنگ و زبان فارسی را در بازارهای سریلانکا به راحتی می‌توان یافت.

در محافل دانشگاهی سریلانکا، از کتاب‌هایی که در آنها به تاریخ زبان فارسی، صنایع دستی و یا مسائل فرهنگی ایران پرداخته شده استفاده می‌شود. برخی از این کتاب‌ها در حوزه اقتصاد توسعه یا جامعه‌شناسی خاورمیانه، و پاره‌ای دیگر در دوره‌های دانشگاهی رشته‌های فلسفه اسلامی و یا هنر اسلامی مفید واقع شده‌اند. برخی دیگر

4) General Certificate of Education-Advanced Level

5) Preliminary Examination

نیز برای مطالعه ادبیات (بالاخص ادبیات انگلیسی) اهمیت داشته‌اند. مثلاً یکی از کتاب‌های ماتیو آرنولد<sup>۶</sup> با عنوان رستم و سهراب و یا حتی کتابی از شلی<sup>۷</sup> را، که به ایران پیش از اسلام پرداخته است، با دانستن اندکی فارسی می‌توان خواند. دانش‌جویان علاقه‌مند به متون کلاسیک غرب، با مطالعه این آثار، غیرمستقیم، مطالب بسیار در مورد تاریخ ایران باستان فرا می‌گیرند. اما، در واقع، مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین اثر ادبی در سری لانکا ترجمه عالی رباعیات عمر خیام است.

### زبان فارسی در جامعه سری لانکا

واژه‌های فارسی عمدتاً از طریق تجارت و روابط سیاسی وارد واژگان زبان‌های محلی و بومی سری لانکا شده‌اند. در این باب، مواردی وجود دارد که در آنها شاهد تداخل دو زبان هستیم؛ زیرا زبان فارسی و سینهای متعلق به یک گروه زبانی گسترده و واحدند و، در نتیجه، بسیاری از کلمات آنها دارای الگوی آوایی مشابهی است. به عنوان مثال، پسوند «-ستان» (مثلاً در کلمه گلستان) از نظر آوایی شبیه به تکواژ سینهای *sthanaya* است. یکی از واژه‌های فارسی که دیرزمانی در سری لانکا کاربرد داشته «شاه بندر» است. این واژه در ابتدا به معنای «امیر منصوب پادشاه برای اداره بندر» بود و بعدها توسعه به معنای «حاکم منطقه‌ای» به کار رفت. این واژه حتی در دوره سلطه هلندی‌ها نیز کاربرد داشت. ایرانیان در دوره سلطه هلندی‌ها کراراً از سیلان بازدید می‌کردند. طی سال‌های ۱۷۹۶ تا ۱۸۰۱، که زبان فارسی سری لانکا در حوزه کاری شرکت انگلیسی هند شرقی قرار گرفت، این زبان باز به نوعی احیا شد. این شرکت، در واقع، وارث امپراتوری مغول در هند شمرده می‌شود که زبان اداری آن فارسی بود. مسئولان این شرکت با زبان فارسی، هرچند محدود، آشنایی داشتند. حتی پس از آن که حکومت هند عملاً به انگلیسی‌ها واگذار شد، زبان فارسی باز هم به عنوان زبانی فاخر و حرمت‌بخش در جامعه کاربرد داشت. کارگزاران انگلیسی سیلان نیز، هرچند در زبان فارسی تبخر نداشتند، قادر به فهم آن بودند. علاوه بر این، در خود انگلستان آثار فارسی در بین ادبای انگلیسی نقشی مؤثر یافت و می‌دانیم که ادوارد فیتزجرالد<sup>۸</sup> با ترجمه اشعار خیام در این

6) Mathew Arnold

7) Shelly

8) Fitzgerald

مورد تأثیری بارز داشته است. خواننده، با مطالعه ترجمه‌های فیتز جرالده، خود را در فضای حیات و فرهنگ ایرانی احساس می‌کند. عواطف عمر خیام آن گونه در ترجمه‌های فیتز جرالده منعکس شده است که با عواطف مردم سری لانکا هم‌خوانی دارد. از این رو، رباعیات خیام، چه به صورت اثری تمام و چه به صورت منتخبات، به گستردگی به زبان‌های بومی سری لانکا ترجمه شده‌اند. البته برای شهرت عمر خیام در سری لانکا دلایل دیگری نیز وجود دارد. در بسیاری از سرمقاله‌ها و مقاله‌های اساسی مطبوعات انگلیسی زبان این کشور، کراراً از خیام اسم برده می‌شود. در کتاب‌های انگلیسی نیز از او یاد می‌شود. افرادی که در سری لانکا به زبان انگلیسی تحصیل کرده‌اند اطلاعاتی دربارهٔ فردوسی، جامی و مولوی نیز دارند اما نه به اندازهٔ آشنایی با خیام. در پرتو وجود دانشکده‌های هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی، حتی افرادی که به زبان‌های بومی سری لانکا تحصیل کرده‌اند با پاره‌ای از دستاوردهای ایرانیان در زمینه‌های معماری، صنایع مستظرفه، فرش، منسوجات، نقاشی، کتاب‌آرایی، سفال‌گری، معرّف کاری و جام‌نگاری آشنا هستند.

### زبان فارسی و جامعهٔ مسلمانان سری لانکا

زبان فارسی، چه به منزلهٔ بازتاب یک نظام فرهنگی و چه به منزلهٔ زبان، بر جامعهٔ مسلمانان کشور سری لانکا اثری عمیق داشته است. به احتمال قوی، بسیاری از مسلمانان، در تاریخ گذشتهٔ سری لانکا، یا ایرانی و یا فارسی زبان بوده‌اند. گواه این مدعا کتیبه‌های مربوط به آن دوران‌هاست. مسلمانان سری لانکا، در طی قرون و اعصار، به زبان فارسی و ایرانیان علاقه نشان داده‌اند. روابط تجاری بین دو کشور و نیز سفرهای عده‌ای از ایرانیان، برای دیدن ارتفاعات آدم، به سری لانکا، از مهم‌ترین انگیزه‌های تماس بین مسلمانان ایران و سری لانکا بوده است.

هرچند، نمونهٔ اقدامات فرهنگی ایران برای برخی رهبران سیلانی، که در دورهٔ ناصرالدین شاه قاجار جوایب الگو و سرمشق بودند، آموزنده بود، اما یادگرفتن زبان فارسی برای مسلمانان این کشور آسان نبود. مانع دیگر آموختن زبان فارسی برای مسلمانان سری لانکا آشنا نبودن آنان به زبان عربی بود. البته این بدان معنا نیست که ادبیات فارسی در مسلمانان سری لانکا هیچ تأثیری نداشت. به خلاف، از دو دههٔ آخر

قرن نوزدهم به این سو، کتاب‌ها، مجلات، روزنامه‌ها و رسانه‌های صدا و سیمای سری لانکا، هر یک به صورتی، فارسی و نویسندگان ایرانی را تا حدی معرفی کرده‌اند و این معرفی بیشتر از طریق زبان تامیلی (زبان مسلمانان سری لانکا) صورت گرفته است. منابع این نوع اقدامات فرهنگی نیز عمدتاً ترجمه‌های انگلیسی متون فارسی بوده است. علاوه بر رباعیات عمر خیام، مطالب بسیاری از جامی و سعدی به تامیلی ترجمه شده است. هم‌چنین، اشعار فارسی علامه محمد اقبال لاهوری به زبان تامیلی درآمده است. مولانا جلال‌الدین رومی نیز در بین مسلمانان سری لانکا جایگاه ویژه‌ای دارد. اشعار عارفانه، حکمی و قصه‌های پندآمیز این شاعر نزد مسلمانان شهرت بسیار دارند.

مسلمانان سری لانکا، در گفتگوهای روزانه خود به زبان تامیلی، واژه‌های فراوانی به کار می‌برند که پیداست ریشه ایرانی دارند. برخی از این واژه‌ها متعلق است به مراسم و مناسک اسلامی. مثلاً واژه فارسی قند دوری / قند دره (*kanduri*)، اگرچه در فارسی امروز منسوخ شده است، در سری لانکا هنوز هم بر اعیاد خاص مذهبی مسلمانان در مساجد اطلاق می‌شود. واژه فارسی بانگ (اذان) در سری لانکا کاملاً متداول است. پاره‌ای دیگر از واژه‌ها بر کالاهایی اطلاق می‌گردد که منحصرأ از ایران به سری لانکا وارد می‌شوند، مثلاً یک نوع شیرینی به نام *kalandu* (احتمالاً از واژه فارسی کله قندی). پسوند احترام‌آمیز «-یار» که در مورد خلفای راشدین به کار می‌رود نیز از فارسی گرفته شده است. اصطلاح محاوره‌ای *parava illai* (به معنی «اشکالی ندارد») مرکب از *parava* (پروا)ی فارسی و *illai* (نه)ی تامیلی است. بعضی افعال متداول تامیلی امروزی نیز از مشتقات واژه‌های فارسی‌اند.

پاره‌ای دیگر از واژه‌های فارسی مستعمل در سری لانکا را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد. برخی از آنها اصطلاحات ورزشی هستند (مانند پهلوان به معنای قهرمان یا کشتی‌گیر)، برخی نام خوراکی و خوردنی و بالاخص شیرینی هستند (مانند گلابجان) و بعضی نیز نام گل‌ها (مثل یاسین). شماری از آنها نیز، مانند واژه پرده، در زبان تامیلی جذب گردیده‌اند. گروهی از این واژه‌ها سیاسی-اداری‌اند: طله / جله (منطقه یا ناحیه)؛ بند و بست (ترتیبات)؛ *kabar dar* (خبردار و هشدار)؛ *kaband* (احتمالاً از واژه کم‌بند به معنای موقت).

نظرگیرترین تأثیر زبان فارسی در مسلمانان سری لانکا در گنجینه پرمایه نام‌هایی

نمودار گشته که برای نام‌گذاری به اختیار پدران و مادران درآمده است. مردم سری لانکا معمولاً اسم فرزندان خود را از بین اسم‌های اصیل عربی-ایرانی انتخاب می‌کنند. کارشناسان مسائلی زبانی متوجه شده‌اند که علت اصلی این امر فراوانی وجود «اصوات غلتان» (نظیر «i و a») در این زبان‌هاست. البته انتخاب برخی از این اسامی نام شخصیت‌های مشهور است که از آن میان می‌توان به اسامی رومی، جامی، سعدی و فردوسی اشاره کرد. برخی نیز دارای پسوند «-زاد» هستند (مانند شهزاد)، و گروهی هم پسوند «-ین» یا «-مین» دارند (مانند شیرین یا شازمین) که برای مسلمانان سری لانکا معمولاً گوش‌نواز جلوه می‌کنند. پاره‌ای از این نام‌ها برگرفته از نام‌های برخی شهرهای ایران مانند اصفهان و شیرازند. ولی عجیب است که، به رغم اصل «گوش‌نواز بودن نام‌ها»، مردم سری لانکا از انتخاب بعضی نام‌های زیبای کاملاً ایرانی مانند «خوش» پرهیز می‌نمایند، چون ظاهراً با برخی واژه‌های نامقبول موجود در زبان‌های بومی سری لانکا شباهت آوایی دارند. افزون بر این، معلوم شده است که برخی از واژه‌های فارسی مانند «دل» (که در زبان‌های بومی سری لانکا می‌توان به آخر آنها پسوند افزود) در نزد مردم سری لانکا خوش‌طین جلوه می‌کنند.

خلاصه کلام این‌که زبان فارسی، هرچند انبوه مردم سری لانکا هیچ‌گاه به آن سخن نگفته‌اند، تأثیر درخور توجهی در ساختار زبانی-فرهنگی مردم این کشور داشته و این تا حدودی مدیون خویشاوندی زبان فارسی با زبان مردم سری لانکا است. روابط فرهنگی و بازرگانی بین دو کشور و حضور جامعه مسلمانان سری لانکا نیز به این امر کمک کرده است.

### واژه‌های فارسی یا اصالتاً فارسی که در بین مردم سری لانکا و بالاخص مسلمانان آن کشور کاربرد دارد

جوان	پرویز	Aryawa	آزاد، آزادی
جهان‌آرا	تبریز		بابا جان
حضرت	تیار (به معنی درست، خوب)،		بَد (Badd)
حضور	نیکو)		بَطی (Batti)
خواجه	ثریا		بلبل
دانش	جمشید		پادشاه/ پتوشاه
درویش	جنگ		پرده



کرمان	شهناز	دستگیر
کشتی / کشتی	شیبان	دل
گلابجان	شیرین	رستم
گلستان	صفوی	Rizmina
مثنوی	عطر	رضوان
معرفت	عمامه	رضوانه
ملا	غزل	رضوی
میر	غزنوی	روزبهان
میراث‌دار / میرازدار	غلام	رومی
نامه	غنا	زمیندار
نرگس	فاوز	زنده
نقش	فراز	زنده باد
نووی	فیروز	سپاهی (سریان)
همایون	قلندر	شرمیل
یاسمین	کاغذ	شوکت

### منابع:

- C. W. Nicholas and S. Paranavitane, *A Concise History of Ceylon... up to 1505* (Colombo: University of Ceylon, 1961) pp 163-164;
- Nicholas and Paranavitane, *Concise History of Ceylon*, p. 174, 322;
- H. A. R. Gibb (trans. and ed.), *Ibn Battutah: Travels in Asia and Africa 1325-1356* (London, 1983 reprint of 1929 edition) p. 256;
- S. G. Perera sj, *A History of Ceylon for Schools* (Colombo, 1948) pt I (portuguese and Dutch periods); pt II (British Period); Passim, H. W. Cordington, *A Short History of Ceylon* (London, 1938);
- Concise Oxford Dictionary (Bombay, 1987) p. 509;
- Wilhelm Geiger, *A Grammar of the Sinhalese Language* (Colombo, 1938), Passim;

”تقویم دانشگاه سیلان...“، ص ۳-۲۷۲، ۲۷۶؛

به کتابچه

*Syllabuses for General Certificate of Education (Advanced Level) Examination*, (Colombo: Dept. of Education, 1980) p. 103;

این منبع به زبان سینهایلی است؛

همان منبع، همان‌جا. تعداد متقاضیان یا داوطلبان انتخاب درس فارسی در امتحانات GCE بسیار محدود است. به همین دلیل سوالات امتحانی را به جای اینکه چاپ کنند به صورت نسخه پلای‌کپی به زبان آموزان می‌دهند؛ نک:

Sophia PIETRSZ (trans. and ed.) *Instructions from the governor-General and the Council of India to the Governor of Ceylon 1656-1665*, (Colombo, 1908), p.89;  
George SAMPSON, *The Concise Cambridge History of English Literature* (Cambridge, 1946), p. 724;  
Swami Gobind Tirtha's *Nectar of Grace* (Hyderabad, 1949)

برگردان و تفسیر جالبی است از رباعیات عمر خیام:

M. AZEEZ, "Early Muslim Settlements" in MAHROOF and AZEEZ, *Ethnological survey*, p. 18, citing *Epigraphia Zeylanica*, Vol. III, p. 331.

گاله و دوینیوارا دو شهر در ساحل جنوبی سری لانکا هستند.

I. L. M. Abdul Aziz's article in "The Persian Sovereign-Shah Mohammad Ali Mirza" in *Muslim Guardian* (English/ Tamil Periodical) (Colombo), Vol. 6. no. 3 (May 1907), p. 91;

اصل مقاله به زبان تامیلی است

اندیشه‌های مولانا رومی اثر A. Iqbal (چاپ ۱۹۷۰). این کتاب به زبان تامیلی است. برخی ترجمه‌های تامیلی از آثار کلاسیک فارسی نیز در بازار کتاب یافت می‌شود، مثل "قصه چهار فقیر" یا "جنگ امیر حمزه"

M. M. Uwise in Mahroof and Azeez, "*Ethnological Survey*", pp 160-161.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی